

عنوان درس: ولایت فقیه

استاد: حجة الاسلام حبیبی تبار

جلسه اول: 13/11/93

بسم الله الرحمن الرحيم

ولایت فقیه

یکی از مهمترین مباحث فقهی است که الحمدلله از مرحله تئوری به مقام عمل هم در آمده است و نظام مقدس جمهوری اسلامی نظام ولایی است و مبتنی به تئوری ولایت فقیه است.

سرفصلهای این مبحث

ضرورت حکومت: ولایت فقیه یعنی حکومتی که مبتنی بر فقیه است و حکومت فقیه بعد از بحث از ضرورت خود حکومت مطرح است. شاید اصلاً کسی گفت که جامعه نیاز به حکومت ندارد. پس بحث از ولایت فقیه بعد از بحث از ضرورت حکومت است. پس صحبت از نوع حکومت بعد از تثبیت اصل حکومت است. البته مبحث ضرورت حکومت از بدیهیات است و کمتر کسی میتواند منکر آن باشد مانند خوارج که شعار لا حکم الا لله سردادند که امیرالمؤمنین علیه السلام جواب آنها را دادند که لا ید للناس من امیر برّ او فاجر ... .

مشروعیت حکومت در اسلام برای کیست: اینکه چه کسی حق حکومت در اسلام دارد. اصل اولی این است که هیچ کس بر دیگری ولایت ندارد و حکومت از آن خداست اما قائلیم که در طول خداوند کسانی هستند که حق حکومت دارند.

بحث حکومت در اسلام: ادله حکومت در اسلام که ولایت خداوند و پیامبر و امامان معصوم و ولی فقیه را ثابت میکند چیست؟

بحث از ولایت فقیه: معنای آن و حیطه آن و پیشینه تاریخی آن و ... در این مبحث میتوان به نواب اربعه توجه داشت و نصوصی که برای عصر غیبت کار شده و همچنین پرداختن به بحث فقهی هم در این باب بسیار اهمیت دارد.

ادله اثبات کننده ولایت فقیه: ادله عقلی و ادله نقلی.

بحث در اینکه آیا ولایت فقیه در باب امور حسبه است یا اینکه معنای عامتری دارد.

شرایط ولی فقیه

اختیارات ولی فقیه

ولایت مطلقه فقیه

یکسری مباحث کلامی جدید هم داریم که لازم به ملاحظه است مثل مبحث سکولاریزم که قائلند دین ارتباطی به سیاست ندارد یعنی از حیث فلسفی و منطقی حکومت، حکومت است و پسوند دینی برای آن معنا ندارد. مثل علم شیمی و فیزیک و اقتصاد که اسلامی و غیراسلامی در آنها معنا ندارد. حتی برخی اندیشمندان مسلمان قائلند که خود پیغمبر حکومت تشکیل نداده است. و کارهایی که در مدینه انجام دادند جزو وظایف پیغمبر اسلام نبوده اند و خود پیغمبر هم از نظری شرعی و دینی موظف به تشکیل حکومت دینی نبوده است.

شاید بتوان گفت که تاریخچه ولایت فقیه به عنوان کسی که مجتهد است به زمان خود پیغمبر برمیگردد. وقتی که اسلام توسعه یافت لازم بود کسانی در گوشه و کنار که مردم دسترسی به پیغمبر نداشتند لاقلاً ظواهر نصوص دینی و روایات را میتوانستند بفهمند و استنباط کنند و به مردم ارائه دهند. حتی خود پیغمبر(ص) هم فرموده بودند آنچه از ما میشنوید به قرآن ارائه دهید و ... اسلام که توسعه پیدا کرد خصوصاً در اواخر قرن اول و اوائل قرن دوم در زمان امام باقر ع و امام صادق ع شاگرد و فقیهپرووری توسط ایشان صورت گرفت و در واقع یکی از شئون فقیه افتاء است. پس

شاگردپروریه‌ها خصوصا توصیه به فتوا دادن آنها و ارتباط داشتن آنها با مردم دلالت به ملاحظه ائمه اطهار ع به فتوا دادن و ارائه معارف به مردم است. پس بحث ولایت فقیه مبحث باسابقه ای است که به زمان امامان معصوم برمیگردد و در عصر غیبت امام زمان عج هم روایاتی که وظیفه مردم را در عصر غیبت آشکار میکند هم بر همین معنا دلالت دارد. پس امامان معصوم ولایت را اعمال کردند البته نه ولایت به معنای تشکیل حکومت، زیرا تشکیل حکومت یکی از شئون فقیه است و افتاء و قضاوت و اجرای حدود هم از دیگر شئون فقیه است و بالاترین حدش هم ولایت مطلقه است که امام ره قائل بودند. مرحوم شیخ مفید ره که نزدیکترین فقهاء به عصر امام زمان بودند از فقهای است که ولایت را برای فقیه قائل است و به آن اعتقاد دارد. ایشان قائلند در زمان غیبت هر چه ممکن شد برای فقیه آنچه که از شئون فقیه است مثل فتوا دادن و اجرای حدود و قضاوت کردن، می‌بایست انجام دهد. نراقی هم به بحث ولایت فقیه خوب پرداخته است اما هیچکدام از فقهاء مانند امام خمینی ره به این گستردگی به بحث ولایت فقیه نپرداخته است و بالاترین از این هیچ کس مثل امام ره نتوانست این تئوری را در جامعه پیاده کند. و این از امتیازات امام ره است.

امام ره در نجف اشرف سیزده سخنرانی دارند که مجموعه این سخنرانیها با عنوان ولایت فقیه یا حکومت اسلامی به چاپ رسید که اولین بار در بیروت چاپ شد و بعد هم نامه امام کاشف الغطاء تحت این عنوان همراه با جهاد اکبر در ایران چاپ شد که در ایران ممنوع بود. مبسوط تر از این بحث در کتاب بیع امام ره جلد دوم به صورت بسیار علمی و استدلالی بحث شده است. آیه الله جوادی آملی کتابی قطور دارند که در آن ولایت فقیه را ولایت فقه عنوان می‌کنند.

یکی از مشکلاتی که باعث شد کمتر به مبحث ولایت فقیه در حوزه پرداخته شود طبق فرمایش امام به سیاستهای یهودیان برمیگردد. بسیاری از خرافاتی که امروز به خورد مسلمانان داده شده توسط کعبالاحرار و امثال اوست که یهودیان نفوذی بودند. در ادامه میفرمایند از حدود سیصد سال پیش استعمار برای اینکه منافعش را تأمین کند در کشورهای اسلامی نفوذ کردند از جمله در ایران. و حتی در دانشگاهها و حوزه های علمیه نفوذ کردند و مردم را با افکارشان از اسلام دور کردند از جمله حکومت را برای اسلام نفی کردند و اسلام را فقط در عبادیات خلاصه کردند و گفتند که اسلام فقط به ارتباط انسان با خودش و انسان با خدا می‌پردازد. امام ره فرمودند که اگر میخواهید عمق فاجعه را ببینید که چگونه این تفکر استعماری سیطره پیدا کرده حتی در حوزه های علمیه و برای پی بردن به عمق فاجعه کافیسست رساله ها را با دستورات و احکام قرآن بسنجیم. در حالیکه اگر بخواهیم احکام عبادی را با احکام غیرعبادی در قرآن مقایسه کنیم نسبت احکام عبادی به احکام اجتماعی اسلام اعم از سیاسی و اقتصادی و غیره یک به صد است. در حالیکه برای آن یک درصد رساله نوشته شده است اما برای احکام اجتماعی کاری نشده است. البته یکی از دلایلی که باعث شد بعضی فقهاء به

بحث ولایت فقیه نپردازند مبتلا بودن جامعه به ولایت جور بود. به طوریکه توان اظهار این مباحث را نداشتند زیرا در آخر این مباحث باید نافی حکومت دوران میشدند و این توان را نداشتند. البته دلیل دیگرش هم این بود که بعضی از حوزویان هم پذیرفته بودند که اسلام کاری با حکومت ندارد. لذا تحت عنوان ولایت فقیه بحث مستقلی را عنوان نکردند و به بهانه های مختلف اشاراتی به این موضوع داشتند و امام ره به این طرز فکر بسیار انتقاد میکردند.

مطلب دیگر که امام ره اشاره میکنند خودباختگی دانشمندان کشور ماست و پیشرفتهای کشورهای غربی باعث شده بود که علت عقبماندگی کشور را اسلام تصور کنند. در حالیکه اگر دقت کنیم می بینیم که علت عقبماندگی ما عمل نکردن به اسلام است. کدام دین به اندازه اسلام برای علم اهمیت قائل است؟ "هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون". در شب قدر تحصیل علم بالاترین عمل است. "امام صادق ع در جمعی با یارانشان نشستند بودند و صحبت میکردند پزشکی مسیحی در حال عبور سلام میکند و امام ع جواب میدهند و تمام قد به احترامش بلند میشوند. اصحاب سؤال میکنند آیا او را شناختید ایشان پزشکی مسیحی بود حضرت فرمودند: میدانم. سؤال کردند پس چرا احترامش کردید؟ حضرت فرمودند این احترام برای علمش بود." ما هر جا که عقب مانده ایم به سبب فاصله گرفتنمان از دستورات اسلام بوده است. بعلاوه آنچه را که در حال حاضر غربیها به آن رسیده اند غیر از انسانیت است. و از اخلاق بسیار فاصله دارند. پس از نظر امام ره دو عامل استعمار و خودباختگی داخلی را سبب ایجاد شک و شبهه در این مبحث میدانند به نحوی که اگر کسی میخواست در حوزه های علمیه این مبحث را مطرح کند تقیه میکند. حتی هر روحانی که به امور اجتماعی و سیاسی مردم میپرداخت او را فردی غیرمقدس میشمردند.

وقتی میگوییم ولایت مطلقه فقیه یعنی اینکه آنچه که مصلحتی از مصالح مسلمانان اقتضا کند که فقیه در آن نظر بدهد و دخالت بکند. این حق از حقوقی است که امام ره به آن قائل است و در قانون اساسی ما آمده است. خوب است که قانون اساسی هم مطالعه شود و اصول و اختیارات ولایت فقیه در آن کار شود.